برنامه درسی هسته‌ای گسترده برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی

اشرف کریمی*، دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

نوع مقاله: مروری • صفحات ۱۶ - ۲۰

چکیده

با بهره‌مندی کودکان و دانش‌آموزان با آسیب بینایی از آموزش عمومی در اوایل قرن بیستم، معلمان متوجه شدند که بسیاری از مهارت‌هایی که این دانش‌آموزان به آنها نیاز دارند، با برنامه درسی آموزش عمومی تأمین نمی‌شود. به‌همین دلیل، بعضی از مربیان با هدف افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا تلاش کردند تا مهارت‌های مورد نیاز آنان را شناسایی کنند. در سال ۱۹۹۶ میلادی، هاتلِن[1] از برنامه درسی ویژه‌ای با عنوان برنامه درسی هسته مشترك گسترده نام برد و بر اهمیت آن در زندگی کنونی و آینده‌ی دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا تأکید کرد. باور کنونی مربیان این است که کودکان با آسیب بینایی مانند تمام کودکان، نیاز به یادگیری برنامه درسی عمومی و برخلاف سایر کودکان، نیاز به آموزش فنون و مهارت‌های خاصی دارند که آنان را قادر سازد به برنامه درسی عمومی و سایر اطلاعات رسمی و غیررسمی مورد نیاز برای زندگی موفقیت‌آمیز در جهان دسترسی داشته باشند. این مقاله به معرفی برنامه‌ی درسی هسته مشترک گسترده و حوزه‌های نُه‌گانه‌ی آن برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، برنامه درسی هسته‌ای گسترده، دانش‌آموزان با آسیب بینایی

سیر تحول برنامه درسی کودکان با آسیب بینایی

از سال‌های ۱۹۴۰ میلادی مربیانی که با دانش‌آموزان با آسیب بینایی کار می‌کردند، متوجه شدند این دانش‌آموزان برای تأمین نیازهای خاص خود علاوه بر خواندن و نوشتن و حساب کردن، نیازمند توانایی‌های دیگری هم هستند. ماکی و دان[2] (۱۹۵۵)، ماکی و کِهو[3] (۱۹۵۶) و اسپانجین[4] (۱۹۷۷) از کسانی بودند که به‌منظور بهبود مهارت‌های اجتماعی افراد نابینا و کم‌بینا تلاش کردند مهارت‌های مورد نیاز این دانش‌آموزان را شناسایی کنند. حاصل تلاش آنان بعدها با عنوان مهارت‌های جبرانی خاص ناتوانی[5] تبدیل به برنامه درسی برای معلمانی شد که با این دانش‌آموزان کار می‌کردند. در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی که مدارس شبانه‌روزی سنتی رایج شدند، توجه به برنامه درسی خاص دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا اهمیت بیشتری یافت.

از سال ۱۹۷۵ میلادی با مطرح شدن عادی‌سازی[6]، دانش‌آموزان با ناتوانی، در محیط‌های آموزشی با حداقل محدودیت جای‌دهی شدند و دانش‌آموزان با آسیب بینایی

* Email: karimi.ashraf@gmail.com

1. Philip Hatlen
2. Mackie and Dunn
3. Mackie and Cahoe
4. Spungin
5. Disability-specific Competencies
6. Mainstreaming

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-01-02]

نیز توانستند برای تحصیل به مدارس نزدیك به محل سکونت خود بروند. اما اگر چه این دانش‌آموزان از فواید حضور در مدارس نزدیک به محل سکونت خود و همراهی با سایر دانش‌آموزان بهره‌مند می‌شدند ولی از آموزش ویژه در مدارس خاص محروم می‌ماندند. اعتقاد بسیاری از معلمان چنین بود که آنچه را که این دانش‌آموزان از مدرسه نیاز دارند، همان آموزشی است که دانش‌آموزان بینا می‌بینند و سایر نیازهای آموزشی آنان باید اساساً در خانه و جامعه ارائه شود. اما خیلی زود معلوم شد که این فرضیه صحیح نیست و لازم است رویکردهای دیگری مورد نظر قرار گیرند. در این زمان بود که برنامه درسی هسته‌ای گسترده شکل گرفت (۱).

برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده شامل آموزش‌هایی است که دانش‌آموزان بینا به آنها نیازی ندارند زیرا بسیاری از این مهارت‌ها را از طریق مشاهده و یادگیری اتفاقی می‌آموزند. فقدان این آموزش‌ها برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی زمانی آشکارتر می‌شود که این دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل می‌شوند در حالی که هرگز از درِ آموزشگاه خاص نابینایان خود دورتر نرفته و مهارت‌های مورد نیاز برای ورود به زندگی بزرگسالی را کسب نکرده‌اند.

در سال ۱۹۸۸ که ساندرا کوری[1] و فیلیپ هاتلن مقاله خود با نام «تأمین نیازهای آموزشی خاص دانش‌آموزان با آسیب بینایی از طریق جای‌دهی مناسب»[2] را منتشر کردند، برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده به‌طور رسمی معرفی شد. نویسندگان این مقاله نیاز به یك برنامه درسی دوگانه را مطرح کردند. برنامه‌ای که علاوه بر برنامه درسی هسته‌ای[3] یا همان برنامه درسی رسمی در مدرسه‌ها شامل برنامه درسی گسترده هم باشد. هاتلن و کوری معتقد بودند، این برنامه درسی علاوه بر پوشش دادن مهارت‌های خاص مورد نیاز دانش‌آموزان با آسیب بینایی برای دسترسی به برنامه درسی هسته‌ای یا عمومی، آنان را به مهارت‌هایی مجهز می‌سازد که برای داشتن یك زندگی موفق نیاز دارند (۱). استدلال فیلیپ هاتلِن در مورد نیاز دانش‌آموزان با آسیب بینایی به این برنامه‌ی خاص چنین بود: همه‌ی دانش‌آموزانی که وارد مدرسه می‌شوند، لازم است بدنه‌ای از دانش عمومی را یاد بگیرند که غالباً به آن برنامه درسی هسته‌ای می‌گویند. مواد این برنامه شامل ادبیات، ریاضیات، علوم تجربی و مطالعات اجتماعی است.

دانش‌آموزان با آسیب بینایی مثل سایر دانش‌آموزان باید بر برنامه درسی هسته‌ای تسلط یابند. اما به‌منظور آشنایی با این برنامه درسی و یادگیری آن ابتدا باید به آن دسترسی پیدا کنند. به‌همین دلیل لازم است مهارت‌ها و فنون جایگزین را که در برنامه درسی هسته‌ای گسترده قرار دارد، بیاموزند تا راهی برای دسترسی به محتوای برنامه‌ی درسی عمومی داشته باشند (هاتلِن، ۱۹۹۶). محتوای موضوعات درسی ادبیات، ریاضیات، مطالعات اجتماعی و علوم ممکن است برای بسیاری از دانش‌آموزان با آسیب بینایی به معنای واقعی کلمه در دسترس نباشد، مگر اینکه بتوانند این مواد را بخوانند، مفاهیم کلیدی را بفهمند، و مهارت‌های حسی، اجتماعی و حرکتی لازم برای مشارکت در این درس‌ها را به‌دست آورند. معلمان دانش‌آموزان با آسیب بینایی مهم‌ترین افرادی هستند که در یادگیری این مهارت‌ها و فنون مورد نیاز به دانش‌آموزان کمك می‌کنند و نقش اساسی در آموزش آنان دارند (۱).

بسیاری از بزرگسالان صرفاً بر آنچه از نیازهای فعلی کودك درك می‌کنند، تمرکز دارند. چون بر این باورند که مهارت‌ها به‌طور طبیعی در کودکان تحول و ظهور می‌یابند. در حالی که گرچه رشد و تحول در بسیاری از حوزه‌ها بدون راهنمایی بزرگسالان رخ می‌دهد ولی آشکار است که رشد می‌تواند و باید تحت تأثیر مداخلات بزرگسالان باشد. برای مثال، گاهی باید به کودك یاد بدهیم چگونه از چاقوی میوه‌خوری استفاده کند یا هنگام عبور از خیابان به چه نکاتی توجه نماید.

نظام آموزشی برای کمك به رشد کودکان در حرکت به‌سوی بزرگسالی طراحی شده است تا در حوزه‌هایی که احتمالاً بدون کمك به رشد نخواهند رسید، پیش بروند. به‌طور معمول هر کشوری استانداردهایی برای یادگیری برنامه درسی عمومی یا هسته مشترك در ریاضیات، خواندن، مطالعات اجتماعی و علوم مشخص کرده است. مربیان در هر پایه می‌دانند که کودکان باید بر چه دانش‌ها و مهارت‌هایی تسلط یابند تا آماده‌ی ورود به پایه‌ی بعدی شوند. اما برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی، تفریح، یا آگاهی شغلی استاندارهای رسمی وجود ندارد و مدرسه‌ها اهمیت اندکی به این مهارت‌ها در کودکان می‌دهند. علتش هم این است که انتظار دارند کودکان این مهارت‌ها را بدون آموزش بیاموزند. برای مثال، رفت و آمد ایمن در جامعه و مهارت‌های مربوط به زندگی مستقل به‌عنوان بخشی از

1. Sandra Curry
2. Meeting the Unique Educational Needs of Visually Impaired Pupils through Appropriate Placement
3. Core Curriculum

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-01-02]

برنامه درسی رسمی تعیین نشده است. انتظار این است که دانش‌آموزان این مهارت‌ها را در سطح مطلوب توسط خانواده بیاموزند و خانواده است که بهترین راه آموزش این مهارت‌ها را به کودك تعیین می‌کند. خانواده‌ها هم به‌طور معمول این مهارت‌ها را با آموزش مستقیم و براساس نیاز فرزندانشان به آنان آموزش می‌دهند.

اما در مورد کودکان با آسیب بینایی وضع متفاوت است. زیرا بعضی والدین فکر می‌کنند کودك با آسیب بینایی فعلاً آمادگی یادگیری انجام بعضی کارها را ندارد. بعضی از والدین هم اثر آسیب بینایی بر یادگیری را در نظر نمی‌گیرند و فکر می‌کنند این مهارت‌ها کم‌کم و مانند سایر کودکان در فرزندشان ظاهر می‌شود. در حالی که آسیب بینایی مانع بزرگی بر سر راه یادگیری اتفاقی از راه تجربه و مشاهده است و کودک نابینا یا کم‌بینا فرصت‌های محدودتری برای درگیر شدن در بعضی محیط‌ها و فعالیت‌ها دارد.

حوزه‌های برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده

هاتلن (۱۹۹۶، ۲۰۰۳) مهارت‌های ضروری برنامه درسی هسته‌ای گسترده را در ۹ حوزه مطرح کرد که عبارت‌اند از:

۱) دسترسی جبرانی[1] شامل شیوه‌های ارتباطی که دانش‌آموزان برای بیان افکار و احساسات خود و دریافت اطلاعات، نیاز دارند و افزون بر برنامه درسی هسته‌ای است.

۲) کارآیی حسی[2] که به تقویت حواس و استفاده از درونداد‌های چندگانه‌ی حسی مربوط است.

۳) فناوری‌های کمکی[3] که به دامنه‌ی وسیعی از وسایل و تجهیزاتی اطلاق می‌شود که به فرد با آسیب بینایی کمک می‌کند تا به اطلاعات چاپی، دسترسی یابد و بتواند اطلاعاتی را که پیش‌تر برایش غیر قابل دسترس بود، به‌دست آورد.

۴) جهت‌یابی و حرکت[4] که شامل مهارت‌های مربوط به تعیین موقعیت در فضای اطراف، تعیین مقصد، تعیین مسیر برای رسیدن به مقصد و استفاده از مهارت‌های حرکتی مناسب به‌شکل ایمن و مطلوب است.

۵) زندگی مستقل[5] که با رفتارها و مهارت‌های مورد نیاز برای مدیریت روزانه زندگی و محیط فرد ارتباط دارد.

۶) تعامل اجتماعی[6] که شامل اجزا و رفتارهای مورد نیاز برای مشارکت در موقعیت‌های اجتماعی مناسب و دوری از انزوای اجتماعی است.

۷) تفریح و اوقات فراغت[7] که بر رشد علائق و مهارت‌های مربوط به فعالیت‌های بدنی و تفریح، متمرکز است.

۸) آموزش حرفه‌ای (شغلی)[8] که بر فعالیت‌ها، رفتارها و مهارت‌هایی تمرکز دارد که دانش‌آموزان در آماده شدن برای استقلال اقتصادی در سراسر زندگیشان به آنها نیاز خواهند داشت.

۹) خودتصمیم‌گیری[9] که به توانایی کودك برای دفاع از نیازها و خواسته‌ها و انجام انتخاب مستقل در مورد ترجیحات شخصی و اهداف خود در زندگی اطلاق می‌شود.

کودکان با آسیب بینایی بدون داشتن مهارت‌هایی که در بالا بیان شد، نه تنها ممکن است از مفاهیم و واقعیت‌هایی که هر فرد برای عملکرد مستقل در زندگی به آنها نیاز دارد بی‌خبر بمانند، بلکه ممکن است منزوی، فاقد خودشناسی و اعتماد به نفس و دارای انگیزش پایین و بسیار وابسته به دیگران شوند (۱).

حوزه‌های برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده با هم ارتباط درونی و هم‌پوشی دارند و به‌همین جهت توسعه‌ی مهارت‌های هر حوزه، پشتیبان رشد مهارت‌های سایر حوزه‌ها است. بعضی صاحب‌نظرانی که چگونگی آموزش و کاربرد این برنامه درسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، گزارش کرده‌اند که تأکید متفاوتی بر هر حوزه وجود دارد. برای مثال، لومایر[10] (۲۰۰۵) دریافت که در مدارس ویژه‌ی دانش‌آموزان نابینا، حوزه‌هایی از برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده از جمله جهت‌یابی و حرکت، آموزش حرفه‌ای، و اوقات فراغت و تفریح، بیشتر آموزش داده می‌شوند و حوزه‌هایی مانند تعامل اجتماعی و کارآیی حسی، مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. یا در بررسی دیگری که ولف[11] و همکاران (۲۰۰۲) با مشاهده‌ی معلمان دانش‌آموزان با آسیب بینایی در مدارس دولتی انجام دادند، ملاحظه کردند این

1. Compensatory Access
2. Sensory Efficiency
3. Assistive Technology
4. Orientation & Mobility
5. Independent Living
6. Social Interaction
7. Recreation and Leisure
8. Career Education
9. Self-Determination
10. Lohmeier
11. Wolffe

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-01-02]

معلمان بیشترین زمان را صرف تمرکز بر مهارت‌های تحصیلی و تدریس دانش‌آموزان خود می‌کنند. اگرچه معلمان ۱۸ درصد از زمان آموزش را صرف مهارت‌های ارتباطی (که بیشتر مربوط به حوزه‌های دسترسی جبرانی و فناوری کمکی بود) می‌کردند، کمتر از ۱۰ درصد زمان را به آموزش حوزه‌های تعامل اجتماعی، کارآیی حسی، جهت‌یابی و حرکت و زندگی مستقل اختصاص می‌دادند. معلمان مورد مشاهده در این مطالعه، مهارت‌های مربوط به آموزش حرفه‌ای را تنها دو بار آموزش دادند. به احتمال زیاد، نوع مهارت‌هایی که توسط بسیاری از معلمان در موقعیت‌های مختلف آموزش داده می‌شوند، ممکن است به‌شدت تحت تأثیر عواملی مانند سیاستگذاری‌های مدرسه و عامل زمان باشند (۱).

راهبردهای کلی در برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده

در نظام آموزشی کنونی، ۱۸ تا ۲۱ سال اول زندگی دوره‌ای است که به‌طور معمول افراد در خانه و مدرسه می‌گذرانند تا آماده‌ی پذیرش مسئولیت‌های بزرگسالی مانند کار و تشکیل خانواده شوند. حتی اگر افراد در این سنین از عهده‌ی مسئولیت‌های بزرگسالی برنیایند باز هم بزرگسال تلقی می‌شوند و انتظار این است که بتوانند زندگیشان را برای بیشتر از ۶۰ سال اداره کنند. یعنی تقریباً ۳ برابر مدتی که تا پایان دبیرستان گذرانده‌اند.

برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده بنا به تعریف، رفتارها و مهارت‌هایی را در بر می‌گیرد که دانش‌آموزان فاقد آسیب بینایی بسیاری اوقات آنها را به‌طور اتفاقی و بدون آموزش یاد می‌گیرند. اما دانش‌آموزان با آسیب بینایی برای یادگیری آنها در بسیاری از موارد نیازمند مداخله مستقیم هستند. هر دانش‌آموز با آسیب بینایی ویژگی‌های خاص خودش را دارد و تقریباً غیر ممکن است که بتوان فهرستی از تمامی مهارت‌های بالقوه‌ای را که ممکن است برای یادگیری نیاز داشته باشد، تهیه کرد. آموزش مهارت‌های برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده به دانش‌آموزان با آسیب بینایی، نه تنها نیازمند برنامه‌ریزی متفکرانه‌ی هرساله توسط معلمان است بلکه برنامه‌ریزی و مشارکت اعضای خانواده، مدیران مدرسه و مربیان را در سراسر زندگی آموزشی این دانش‌آموزان می‌طلبد. در چنین برنامه‌ای باید با در نظر گرفتن اهداف بلند مدتی که فراتر از نیازهای فوری این دانش‌آموزان است، به موارد زیر هم توجه کرد:

- تشخیص آنچه باید آموزش داده شود
- هماهنگ کردن کوشش‌ها با والدین و کارکنان مدرسه
- داشتن تجهیزات و مواد لازم برای آموزش مؤثر
- مدیریت زمان مورد نیاز برای ارائه‌ی حمایت و آموزش تحصیلی در تمام حوزه‌های این برنامه درسی
- متقاعد کردن مدیران و سایر افراد مهم در مورد اهمیت برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده
- حفظ علاقه‌ی دانش‌آموز به یادگیری مهارت‌های مربوط به برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده
- ارائه‌ی تمرینات مورد نیاز برای توسعه و تسلط بر مهارت‌های حوزه‌های این برنامه‌ی درسی

جمع‌بندی

همزمان با شروع آموزش دانش‌آموزان با آسیب بینایی در اوایل قرن بیستم میلادی، معلمان پی بردند که این دانش‌آموزان به آموزش‌هایی فراتر از برنامه درسی رسمی و سنتی مدرسه‌ها نیاز دارند. آسیب بینایی محدودیت‌هایی در مشاهده و یادگیری اتفاقی ایجاد می‌کند و به‌همین دلیل لازم است این خلاء با انجام مداخلات لازم و با استفاده از برنامه درسی مناسب پر شود. اصطلاح برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده را اولین بار هاتلن در سال ۱۹۹۶ میلادی مطرح کرد. او معتقد بود که دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا برای موفق بودن در مدرسه، اجتماع و محیط کار، نیاز دارند که علاوه بر برنامه درسی رسمی در مدرسه‌ها در ۹ حوزه‌ی مهارتی و دانشی دیگر هم آموزش ببینند. برنامه‌ی درسی هسته‌ای گسترده، چارچوب مشترک زبانی و مفهومی برای سنجش و برنامه‌ریزی آموزشی این دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

References

1. Allman CB, Lewis S. ECC essentials: Teaching the expanded core curriculum to students with visual impairments2014.
2. Curry SA, Hatlen PH. Meeting the unique educational needs of visually impaired pupils through appropriate placement. Journal of Visual Impairment & Blindness. 1988;82(10):417-24.

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-01-02]

3. Hatlen P. The core curriculum for blind and visually impaired students, including those with additional disabilities. RE: view. 1996;28(1):25-32.
4. Lohmeier KL. Implementing the expanded core curriculum in specialized schools for the blind. RE: view. 2005;37(3):126.
5. Mackie RP, Cohoe E. Teachers of Children Who Are Partially Seeing: A Report Based on the Findings from the Study. Office of Education, US Department of Health, Education, and Welfare. 1956.
6. Mackie RP, Dunn LM. Teachers of Children Who Are Blind: A Report Based on the Findings from the Study. Office of Education, US Department of Health, Education, and Welfare. 1955.
7. Spungin SJ. Competency based curriculum: A national survey of teachers. Journal of Visual Impairment & Blindness. 1978;72(5):163-9.
8. Wolffe KE, Sacks SZ, Corn AL, Erin JN, Huebner KM, Lewis S. Teachers of students with visual impairments: What are they teaching? Journal of Visual Impairment & Blindness. 2002;96(5):293-304.

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-01-02]